



۲۰۱۷/۰۶/۰۴

مصطفی عمرزی

بهای بنای کج



سوریه خونین، اگر با ضایعات جانی بیش از ۴۰۰ هزار تن و تخریبات گسترده، جهانی شد، بهایی که برای برپایی حمام خون (حکومت اسد) پرداخته می شود، فقط در جانب ایران از ۵ تا ۲۰ میلیارد دلار، تخمین زده شده است. نقش روسیه، سهم حزب الله، اجیران شیعه از افغانستان و پاکستان، نشان می دهند بقای رژیم هایی که بسیار سیاسی می شوند، چه قدر گران، مخوف و زیان آور می گردد. بازیگران چند سوی بحران سوریه، در پی منافع خویش، در حالی که حاصلات را در جا های دیگر برمی دارند (داد و ستد، رفع محدودیت ها و تجارت) اما مردمی که در سوریه در خون غرق می شوند، در سلسله مصایب، باید قربانی دهند تا در بنایی که کج گذاشته بودند (میراث استعمار اروپایی) به قیمت نگه داری این تعمیر لرزان، سال ها در غم و غصه، رنج ببرند.

افغانستان ما با رقم ۸۰۰ میلیارد دالری، فقط سرمایه گذاری های امریکا، به بنای دیگری می ماند که هرچند شبیه سوریه نیست، اما در عمران آن، دخل عناصری به آفت رسید که نشان دهد حاکمیت زیر فشار شدید را بیشتر از درون، نابود می کنند.

موج اعتراض بر دولت در بهانه هایی که بر اثر تکرار سرنوشت خونین ما رخ می دهد، در استعاره از هم، راست برآمد که «خون با خون، شسته می شود!» اما در عقب این سلسله اندوه، حقایق بر ملا می شوند که چگونه

بقایا و تخمه گان خاینان به وطن، در شرکتی که دولت می نامند، در قرائت های سیاسی و در هر حادثه ای دنبال فرصت اند تا چهره آنان در مدعی، اما بی همه چیزی تبارز کند که هرچند با تلسکوپ به عمق تاریخ می رود تا از بهانه رفتار کج، حتی از کسی در حاشیه، ولی دستاویز بسازد که ابراز وجود او برای احراز مقام رهبری، اگر در حُسن نیت، از تاریخ سقایی بگذریم، به کسانی می رسد که در تمام انواع نمایشات فرهنگی، مدنی، به اصطلاح اسلامی و وطنی، با اصرار می خواهند در دایره دولت، بیشتر باشند.

اعتراض فعالان مدنی افغان که لطیف پدram را با صدا های «سیاسی نیست! سیاسی نیست!» خجالت دادند تا دهن کمود را باز نکنند، در نمایش سنگ پرانی، فحاشی، چاقو کشی و سلاح به دستانی تحریف شد که زود با پرچم های ذلت و حقارت (زمان ربانی) نعره کشان و پارس کنان ظاهر شدند. این سیمای کریه المنظر، اما در شگفتی، از برخورد کسانی به سد خورد که از حصار کشی های دولتی، چهره حاکمیت در داستان های دیو و پری، هزار قلعه ها و دژ هایی را نمایش می دهند که از تلفیق نو و تاریخی، در هر سوی این عذاب، اگر می کشند، سربریدن های تاریخی در سیاست های آنالین، ما را از جزییاتی آگاه کردند که مردمان پیشین، چگونه شقه، بی سر و مثله می شدند. حصار های سمنتی، بی شباهت به دولت های باستانی و قرون وسطایی، حقایق اند که در نمونه افغانستان، جامعه جهانی با میلان به جوانب درگیر افغانستان، نتوانست موفق به اعمار بنایی شود که ۱۶ سال پس از حضور گسترده، حالا ناگزیز باید از صفر شروع کنند.

نقد سیاست های خارجی در تبیین این بی عدالتی که اگر طالبان، طرف قهر جهانی شدند، تکیه به عواملی که در ظهور طالبان، جمله معروف ربانی را به یاد می آورند (تحریک خود جوش) به معنی دیگر، شرکت در ساخت بنایی بود که معلوم بود در این اتفاق، تهداب را کج گذاردند. این واقعیت اگر در نابسامانی ها و ناهنجاری های هراس آور منتهی شده است، در متن آن، کسانی اند که در نمونه اعتراض و انتقاد، همواره در دو سوی مستقیم و غیر مستقیم، اگر پسر معاون مشرانو جرگه کشته می شود، کسانی زخمی شدند که در جمع دیگر، با سلاح هایی که در کسوت کارمند و مامور در حوزه ها می گیرند و از خوان شراکت در دولت، به همه چیز دسترسی دارند، ثابت می کند نگه داشتن نمونه بنای افغانستان با چنان ساختار کج، با نکوهش و تقبیحی راست نمی شود که از فحواي آن به خوبی جانب داری و میلان به منافع و گروه های خاص، معلوم است. در واقع مجموعه ضد طالب با نقش گسترده ای که در حاکمیت یافت، با پشتواره ای از اندوخته های نقد ناشده ضد افغانی، خود به مشکلی می ماند که همسویی با خواسته های آنان، کشاندن افغانستان در بحرانی است که اگر به چنین حالتی رسیدیم، نباید گروهک های شکسته خورده از طالبان، بینش خویش از درگیری های داخلی را وارد نظام می کردند.

بار ها آورده ام و باز می آورم، دکتور رمضان بشردوست در مناظره ای که کرزی نیز سهم داشت، به صراحت گفته بود به مناطقی رفتم که نیرو های خارجی، توان عبور از آن جا ها را نداشتند، اما روایت او از آن چه اهل شر می بافتند، چهره طالبانی نبود که وقتی مردی با خصوصیات مردمان کندهار، هلمند یا پشتونی را دیدند، وصف «طالب است!»، به شرمساری ما می افزاید که چه گونه در حد نزول برداشت ها، به معاضدتی می روند که در عقب آن، تعفن سال ها ستیز با افغانستان، به مشام می رسد.

اکثر آشوب‌کننده گان مسلح، فحاش و ولگرد، کسانی‌اند که در سلسله‌درازی از انتساب با ماموران حکومتی، ۱۶ سال تمام در حکومت بودند، اما اگر سیاسی، فرهنگی، دینی و اجتماعی شوند، در کمال تعجب به نفی، تمسخر، انتقاد و هتک حرمت دولتی می‌پردازند که با صلاحیت‌های مافوق‌کرزی، میلیارد‌ها دالر را حیف و میل کردند و اما ارزش آنان در سیستم، آلوده‌گی‌هایی شده است که یک دهه پس از مصارف‌گزاف، روابط جهانی و انکشاف مناسبات، دولت در حصارهای سمنتی، در مجموعه‌ای از گروه‌ها و افراد متضاد از جلو و عقب، فشرده می‌شود که اگر کسانی‌اهل کار باشند در فشار مضاعف شریپسندان، در جمع دیو‌ها به شمار رفته، تر و خشکی می‌سوزد که اگر در محاسبه‌کارکرد‌های چند سال اخیر، خیری ببینیم، مجموعه‌لرزان چند بی‌طرف تحصیل‌کرده، دم‌غنیمتی است که در بیابان، کفش‌کهنه، به معنی از هیچ‌کرده بهتر می‌شود. هشدار تهدید «نظام‌کج» با رفع ستون‌هایی که آن را برپا داشته‌اند، هیچ قطبی را تشویق نمی‌کند تا این قامت خمیده را دوباره راست کند.

در هم‌نوايي با مردمان قربانی و فامیل‌های شهدا، اما در طهارت‌اندیشه و موضع، بار دیگر تقاضا می‌کنیم، بیرون رفت از بحران جاری، اگر هرگز به زودی میسر نیست، حداقل در فرصت‌های نو، نظام را از گندی بیرون‌کشند که در درب، اتاق، احاطه، ریاست و وزارت‌های آن، تیکه‌داران قومی، سمتی، منطقه‌یی، حزبی و زبانی‌نشسته‌اند و در حالی که ناهنجاری‌های مختلف اجتماعی را با رنگ‌طالب و مخالف مسلح، از حقیقت اجحاف، اغماض، بی‌عدالتی و دشمنی‌های علنی با اکثریت، منحرف می‌سازند، اهم و غم‌شان انحصار قدرت است تا چند کره و تخمه‌بی‌سواد، بی‌لیاقت و آلوده در ادارات دولتی به جا و نان برسند.

مردم از شدت نفرت، اما با ریشخند‌ها به سلسله‌مراتبی حمله کردند که پس از پایان شوم بازیگران جفا کار و خاین، فرزندان آنان در سنین زیر «سن»، میراث شرکت سهامی را اگر از بقایای تفنگسالار باشند، با رتبه‌جنرالی می‌گیرند و اگر فسادگران مدنی‌اند، ریاست و اگر اهل فرهنگ سقایی‌اند، مدال‌های نام‌آوران افغان بر این بی‌حیایی روزگار، ما را خجالت می‌دهند که نام‌غازیانی چون میر بچه‌خان کوهدامنی، شاه‌امان‌الله و ... در عجایب روزگار، با عکس‌شان (تضاد) وصله می‌خورد.



پیروان و رهروان فرهنگ خراسانی - فارسی

نظام‌منتهی به پرتگاه را در فرصت‌های تطهیر، راست‌کنند و اما ساده‌ترین راه جواب به اهل بغاوت، خوب است در شفاخانه‌های تعقیب و محاکمه، اگر روانه حبس شدند، با ارتزاق بازی‌های کمپیوتری، عادت دهند تا هر زمانی که خواسته باشند در محیط 3D یک دیگر را بکشند. همه ساله نسخه‌های جدید و متنوع این درمان، تولید می‌شود.

پایان